

کارکردهای اقتصادی و اجتماعی دریاچه هامون در زندگی مردم سیستان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲

کد مقاله: ۴۷۰۸۵

زهرة سرگزی^۱

چکیده

سرزمین سیستان زاده رودخانه هیرمند و پرورش‌یافته سخاوت دریاچه هامون است، دریاچه‌ای که معیشت مردم منطقه از جمله صیادان، شکارچیان، دامداران و حصیربافان به‌طور مستقیم به آن وابسته است و وجود آن برای کل منطقه سیستان حائز اهمیت است. در پژوهش حاضر به بررسی کارکردهای اقتصادی و اجتماعی دریاچه هامون در زندگی مردم سیستان پرداخته خواهد شد که پژوهش آن به روش اسنادی و میدانی صورت گرفته است و محقق علاوه بر استفاده از کتب و منابع مرتبط با موضوع تحقیق، با رفتن به تعدادی از روستاهای سیستان ضمن مصاحبه با افراد، به جمع‌آوری اطلاعات لازم پرداخت. علاوه بر خشک‌سالی‌های دریاچه که چندین بار تکرار شده است، افراد بومی نیز در از بین رفتن نيزارهای آن دخالت داشته و با برداشت بیش از حد نی‌ها و وارد ساختن ماهی‌های غیربومی علف خوار به آن، به تدریج موجبات از میان رفتن این زیست‌بوم را فراهم ساختند و این عوامل باعث شد تا علاوه بر آنکه دریاچه کارکردهای اقتصادی خود را از دست دهد، در بخش اجتماعی نیز تأثیرات منفی از خود بر جای گذارد. بنابراین می‌توان تأثیر متقابل انسان و محیط را بر یکدیگر در زیست‌بوم هامون مشاهده کرد.

واژگان کلیدی: رودخانه هیرمند، دریاچه هامون، سیستان، کارکردهای اقتصادی و اجتماعی

۱- کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. (zohrehsargazi1@gmail.com)

۱- مقدمه

رابطه بین جامعه و محیط‌زیست اساسی‌ترین ارتباطی است که در دنیای زیستی وجود دارد و این رابطه حساس و در عین حال پویا است که سبب می‌شود هر یک از طرفین تغییراتی در دیگری پدید آورد و در ضمن خود نیز تحت تأثیر قرار گیرد. یک پهنه جغرافیایی یا زیستگاه که تحت تأثیر شرایط فیزیکی-مکانیکی متجانسی قرار گرفته است و به وسیله گروه‌های گیاهی و جانوری که زندگی‌شان وابسته به یکدیگر می‌باشد اشغال شده است را می‌توان یک مجموعه پویا از عناصر به شمار آورد که زیست بوم نامیده می‌شود. جامعه انسانی وابسته به محیط پیرامونی یا محیط‌زیست خویش است و این محیط پیرامونی تأثیراتی ژرف بر جامعه انسانی باقی می‌گذارد و یا از آن تأثیر می‌پذیرد. برای هر جامعه انسانی محیط پیرامونی در برگیرنده چیزهایی است مانند خاک، منابع آب، کیفیت زمین، گیاهان، جانوران و دیگر مختصات سرزمینی که آن جامعه را در خود جای داده است (نولان و لنسکی، ۱۳۸۰: ۳۰). در سال ۱۷۵۳ امانوئل کانت^۱ برای نخستین بار تأیید کرد که «انسان را بدون شناخت محیطش نمی‌توان شناخت» (دورتیه، ۱۳۸۶: ۳۵۹).

استان سیستان و بلوچستان با وسعت حدود ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع، ۱۱/۵٪ از مساحت کشور ایران را به خود اختصاص داده است استان سیستان و بلوچستان دارای اقلیم بیابانی و نیمه بیابانی می‌باشد و میانگین بارش سالانه در آن حدود ۱۰۰ میلی‌متر و متوسط دمای آن از ۲۲ تا ۳۷ درجه سانتیگراد در تغییر است. سیستان احتمالاً همان سرزمینی است که واژه‌های اوستایی «فیشیویانت^۲» به معنای گله دار، «وستر^۳» به معنای شبان، «وستریا^۴» به معنای کشاورز و «وستر فیشیویانت^۵» به معنای شبان گاو پرور در آن مصداق می‌یافته است، زیرا گاو در آن سرزمین نقش اصلی را در نمادهای مذهبی و اقتصاد کشاورزی و دامی بر عهده داشته است (سید سجادی، ۱۳۸۵: ۱۶).

در کتاب جغرافیای نیمروز پیرامون وجه تسمیه سیستان آمده است که سپس ریگ را می‌گویند و سیستان یعنی ریگستان (کرمانی، ۱۳۷۴: ۴۶). در کتاب تاریخ سیستان آمده است: «سیستان جایی است که در آن باد چرخ‌های آسیا را می‌گرداند و گندم‌ها را آرد می‌کند و همچنین چرخ‌هایی ساخته‌اند که توسط آن آب را از چاه‌ها کشیده و به زمین‌های کشاورزی منتقل می‌کنند و بنابراین از باد سود و منفعت بسیاری می‌گیرند» (بهاری، ۱۳۸۳: ۱۲). به دلیل ثروت فراوان و آبادانی این سرزمین، در عهد هخامنشیان در میان ممالک شرقی، سیستان مالیات هنگفتی به خزانه دولت می‌پرداخت، به طوری که هرودوت مالیات سیستان را پس از مصر و میان رودان قرار داده است که این مالیات در ایران بالاترین رقم بوده است (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۱۳۱۴-۱۳۱۷) دریاچه هامون در قدیم زره کیانسیه می‌گفتند و به مرور کلمه کیانسیه از استعمال افتاده و فقط زره به جا مانده است، چنانچه امروزه در افغانستان آبیگری به نام گودزره وجود دارد (بهار، ۱۳۸۹: ۲۳). از دریاچه هامون در منابع تاریخی به نام‌های گوناگون یاد شده است که «کنس اوپه^۶»، «کیانسیه»، «کانفسه»، «زره»، «زریه» و «کاسویه» برخی از آن‌ها می‌باشد. پالاش و کردوانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «مقایسه نقش دریاچه هامون هنگام پرابی و خشکی در اوضاع اقتصادی و اجتماعی سیستان»، ضمن اشاره به فواید و ارزش‌های تالاب هامون به معرفی گروه‌هایی که به طور مستقیم از دریاچه بهره‌برداری می‌کنند و اشتغال آنها وابسته به آن است پرداخته و اثرات خشکسالی هامون را در بخش اجتماعی ذکر نموده است. بنابراین باید رابطه‌ای میان منابع محیط‌زیستی ویژه، فن آوری (ابزار و دانش) موجود در یک زمان به منظور بهره‌برداری از این منابع، و الگوهای کاری که برای ایجاد فن آوری مربوط به منابع طراحی شده‌اند در نظر گرفته شود (Manners، ۱۹۹۶: ۳۲۱-۳۲۲) از جمله فنون و روش‌های بهره‌برداری از دریاچه هامون در سیستان می‌توان روش‌های مختلف ماهیگیری و شکار پرندگان و بهره‌گیری از نی‌های دریاچه جهت مصارف مختلف و همچنین کشاورزی و دامداری غنی منطقه را ذکر کرد. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر بررسی کارکردهای اقتصادی و اجتماعی دریاچه هامون در زندگی مردم سیستان می‌باشد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- معرفی کلی اکوسیستم هامون و رودخانه هیرمند

حیات هامون از رودخانه هیرمند است که از کوه‌های بابا یغما و سلیمان در سلسله جبال هندوکش در افغانستان سرچشمه می‌گیرد و با گذر حدود ۱۱۰۰ کیلومتر در خاکافغانستان، در ناحیه کوهک وارد مرز ایران می‌شود و به دشتهای سیستان سرازیر می‌شود، بنابراین آب دریاچه هامون به طور مستقیم متأثر از رودخانه هیرمند و وجود و عدم وجود آب در این رودخانه است. هیرمند در

1. Emmanuel Kant
2. fshyant
3. vaster
4. vastrya
5. vastryo fshuyant
6. kansoya

بدو ورود به سیستان به دو شاخه "پریان مشترک" و "رودخانه سیستان" تقسیم می شود. رودخانه پریان مشترک قسمتی از مرز مشترک ایران و افغانستان را تشکیل می دهد و سپس به سمت افغانستان می رود، اما رودخانه پریان داخلی از آن منشعب می گردد که خود و سایر انشعاباتش در بخش میانکنگی جریان می یابد و رودخانه سیستان با استفاده از کانال فرعی، مخازن سه گانه چاه نیمه (باطرفیت ۷۰۰ میلیون مترمکعب) را پر کرده و در ادامه با انشعابات متعدد، سایر بخش های سیستان (شهرکی و نارویی، پشت آب و شیب آب) را مشروب می سازد و پس از طی ۶۰ کیلومتر به دریاچه هامون می ریزد (ابراهیم زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۲-۱۴۳) بنابراین هیرمند شریان اصلی ورود به هامون است.

در اثر خشکسالی سال ۱۲۸۱ شمسی و برخی اختلاف های مرزی ناشی از تغییر بستر هیرمند «هنری ماک ماهون» افسر مهندس انگلیسی به جای گلد اسمیت معرفی گردید و در مدت سه سال اقامت خود در سیستان مقدار آب هیرمند و نهرهای منشعب شده از آن را اندازه گیری کرد که بر اساس آن یک سوم متوسط آب سالیانه هیرمند برای آبیاری وارد نهرهای ایران می شده است، بنابراین وی آب لازم برای آبیاری سیستان را یک سوم آب هیرمند تعیین کرد و به این ترتیب به استاد رأی گلد اسمیت و اندازه گیری های مک ماهون حقایق آب ایران برابر با ۲/۴ میلیارد متر مکعب در سال بود. در سال ۱۳۲۵ شمسی آب هیرمند به کلی خشک شد زیرا افغانستان آب هیرمند را از طریق نهر «بغرا» منحرف کرد که حفر آن هشت سال به طول انجامیده بود و توانست زمین های زراعی وسیعی را آبیاری کند و نسبت به شهرنشین کردن عده ای از ایل های خود در صحرای بی آب و علف حوضه هیرمند اقدام نماید و همچنین بعد از آن به کمک آمریکایی ها سد کجکی را احداث نمود که یکصد متر ارتفاع دارد و حدود ۳ میلیارد متر مکعب آب ذخیره می کند. به دنبال آن در سال های ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ شمسی در سیستان خشکسالی صورت گرفت و این وضع باعث شد که عده زیادی از مردم سیستان به سایر نقاط ایران مهاجرت کنند. دریاچه هامون با وسعتی حدود ۵۷۰۰ کیلومتر مربع و دامنه عمقی ۱ تا ۵ متر در ناحیه کویری و بیابانی شرق کشور، در منطقه سیستان واقع شده و حدود ۷/۶٪ از کل مساحت استان سیستان و بلوچستان را به خود اختصاص داده است. این دریاچه در حد فاصل ۳۰ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۶۱ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی قرار دارد. (شاه محمدی و ملکی، ۱۳۹۰: ۳۲) مساحت ۶۰ هزارهکتاری دریاچه هامون از سه حوضچه کوچکتر نسبتاً مجزا به نام های «هامون پوزک»، «هامون صابوری» و «هامون هیرمند» تشکیل گردیده است که در مواقع پرابی به یکدیگر متصل شده و تقریباً تالاب یکنواختی را تشکیل می دهند.

پوشش گیاهی دریاچه هامون شامل ۵۵ گونه گیاهی است که از سه فرم رویشی درختی و درختچه ای، بوته ای و علفی تشکیل شده اند. از این تعداد ۱۰ گونه (۱۸/۲٪) فرم درختی و درختچه ای، ۳۱ گونه (۵۶/۳٪) فرم علفی و ۱۴ گونه (۲۵/۵٪) فرم رویشی بوته ای دارند. (شاه محمدی و ملکی، ۱۳۹۰: ۱۳۶) به طور کلی دریاچه هامون را می توان رویشگاه گیاهان آبدوست و نیمه آبدوست دانست. بارزترین گونه های گیاهی موجود در رویشگاه گیاهان آبدوست عبارتند از: نی^۱ (بوریا، لویی)، بوتوموس^۲ (جگن دریایی، هزار نی)، لویی^۳، سغد سلطانی^۴ (اویارسلام، ترگ)، اشک و قمیش^۵ عمق آب این رویشگاه عمدتاً کمتر از یک متر می باشد و بستر آن از خاک های ریز بافت رسی همراه با درصد قابل توجهی از املاح تشکیل شده است و معمولاً اشباع از آب می باشد. بخش پایینی گیاه در آب و فاقد برگ و بخش بالایی دارای گل و برگ های زیادی است که به شیوه گیاهان خشکی زی، مواد غذایی را از خاک جذب کرده و با دی اکسید کربن موجود در هوا، عمل فتوسنتز را انجام می دهند.

مراتع حاشیه دریاچه هامون که پس از عقب نشینی آب مورد استفاده دامداران سیستان قرار می گیرند، متأثر از ترسالی ها و خشک سالی ها بوده، بطوری که در زمان ترسالی سطح نسبتاً وسیعی را به خود اختصاص داده و از گونه های مرغوب علوفه ای پوشیده می شوند، در حالی که در خشک سالی ها اثری از گونه های مرغوب نمانده و اگر هم در مناطقی این گونه ها مشاهده می شود، در اثر فشار چرا، به شدت تخریب می شوند آنچه در قالب نیزار شناخته می شود، در واقع ترکیبی از چند گونه گیاهی از قبیل، نی، لویی، قمیش، هزارنی و جگن می باشد، که به خاطر تراکم بیشتر نی نسبت به سایر گونه ها به نیزار معروف شده است. لویی جهت ساختن حصیر، پرده و یا قایق های سنتی (توتن) به کار می رود و گونه های قمیش، هزار نی و جگن به همراه گونه های بونی، مرغ و خارشر بیشتر مورد چرای گوسفندان عشایر قرار می گیرد. نیزارهای هامون منبع غنی و در دسترس جهت تغذیه گاوها بوده است (نوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۸-۹۴).

1. *Phragmites australis*
2. *Butomus umbellatus*
3. *Thypha minima*
4. *Cyperus longus*
5. *Cyperus rotundus*
6. *Arundo donax*

بررسی های انجام شده حاکی از آن است که در زمان پرآبی ۳۰ گونه پستاندار در زیستگاه های اطراف دریاچه زندگی می کنند که می توان به خفاش، خرگوش، شغال، گرگ، کاراکال، گراز و آهو اشاره کرد، همچنین در این زیستگاه انواع خزندگان و دوزستان نیز وجود دارند (شاه محمدی و ملکی، ۱۳۹۰: ۵۲). مهم ترین پوشش جانوری تالاب هامون را ماهیان و پرندگان تشکیل می دهند. در زیر به تعدادی از توانمندی های متنوع دریاچه هامون به اختصار اشاره می شود:

تأمین آب: هامون یک منبع آبی مناسب برای مصارف کشاورزی و دامداری است. در سال هایی که آب کافی وجود دارد در اثر وزش بادهای موسمی و شدید، آب در اراضی مسطح دشت سیستان پیشروی نموده و مراتع دریاچه را آبیاری می نماید. پس از عقب نشینی، مراتع غنی و سرسبز، منبع اصلی تغذیه هزاران رأس دام محسوب می شوند.

حفظ و نگهداری رسوبات: نیزارها و گیاهان آبی با کاهش سرعت آب، فرصت ته نشینی رسوبات را افزایش داده، از ته نشینی مواد فرسایش یافته در مجاری و منابع آبی و بروز مشکلات زیست محیطی جلوگیری می کنند. علاوه بر آن، پوشش گیاهی تالاب به صورت بادشکن عمل نموده و با تثبیت خاک از فرسایش بادی که مهمترین معضل منطقه سیستان است پیشگیری می کند.

جلوگیری از نفوذ آب شور: در سواحل پست و کم ارتفاع که خاک تحت الارض قابل نفوذ دارند، وجود آب شیرین تالاب های ساحلی مانع از حرکت آب شور لایه های زیرین به سطح خاک می شود. این عمل علاوه بر تأمین آب مورد نیاز مصارف خانگی، آبیاری و کشاورزی جوامع محلی، از شور شدن خاک جلوگیری می نماید. در طی خشکسالی های اخیر، حرکت آبهای شور لایه های زیرین به سطح خاک، موجبات شوری خاک را فراهم نموده و باعث ظهور گیاهان شور پسند در منطقه شده است.

تأمین علوفه دام: مراتع حاشیه هامون و همچنین نیزارهای آن جزء با ارزش ترین منابعی است که مورد تلفیق دام های منطقه قرار می گیرد. نیزارهای هامون یا مستقیمی مورد چرا قرار می گیرند و یا پس از درو توسط افراد محلی، به مصرف دام ها می رسند. مازاد علوفه حاصل از نی پس از جمع آوری خشک و ذخیره شده و در فصول نامساعد به مصرف دام ها می رسد.

پناهگاه حیات وحش: هامون پناهگاه بسیاری از گونه های نادر و در خطر انقراض است. این دریاچه مأمن مناسبی برای استقرار آشیانه و تولید مثل انواع مختلف پرندگان مهاجر و بومی است. پوشش گیاهی تالاب نیز مکانی برای مخفی شدن و در امان ماندن پرندگان و پستانداران است. همچنین گونه هایی از ماهی ها برای تخم ریزی، پوشش گیاهی فرسوده درون آب را ترجیح داده و هنگام تولید مثل در چنین مکان هایی تجمع می کنند.

بهره برداری و اشتغال مردم: صرف نظر از اثرات اکولوژیک و زیست محیطی دریاچه هامون بر کل حیات سیستان، معیشت چهار قشر از مردم به طور مستقیم به دریاچه هامون و نیزارهای آن وابسته است، گاوداران، صیادان و شکارچیان، حصیر بافان و عشایر، اقشار و گروه هایموردنظر را تشکیل می دهند.

پژوهش و آموزش: تالاب هامون از نظر تحقیقاتی، علمی و آموزشی واجد ارزش های فراوانی است و آزمایشگاهی طبیعی برای آموزش دانشجویان منابع طبیعی، کشاورزی و زیست شناسی می باشد. به لحاظ اهمیت پژوهشی تالاب و نقش چشمگیر آن در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی منطقه، در سال ۱۳۸۵ پژوهشکده بین المللی تالاب هامون در دانشگاه زابل تأسیس گردید که می تواند با اجرای طرح های پژوهشی و آموزشی گام بسیار مؤثری در بهبود وضعیت ساکنین منطقه بردارد.

تفریح و توریسم: تالاب هامون با داشتن چشم اندازهای متنوع طبیعی و مصنوعی از جمله کوه خواجه و دیگر آثار باستانی و فراهم نمودن امکانات تفریحی همچون قایق رانی، شکار پرندگان، صید ماهی از ارزش توریستی قابل توجهی برخوردار می باشد. تعدیل آب و هوای منطقه: هامون بر آب و هوای منطقه تأثیر شگرفی دارد. تبخیر از سطح دریاچه سبب افزایش رطوبت و متعادل نمودن دما می شود، خصوصاً وجود آب و پوشش گیاهی در زمان بادهای ۱۲۰ روزه تابستان نقش یک کولر طبیعی را ایفا می نماید (نوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۷-۴۱).

۲-۲- کارکردهای اقتصادی دریاچه هامون

دریاچه هامون منبع آبی بسیار مهمی است که امرار معاش گروه های مختلفی از مردم منطقه به طور مستقیم به آن وابسته می باشد که می توان آنها را به گروه های دامدار به ویژه گاوداران، شکارچیان و صیادان، حصیربافان و عشایر حاشیه رودخانه تقسیم کرد. در سال های نه چندان دور جمع زیادی از خانوار های سیستانی بر روی برجستگی ها و جزایر کوچکی که در میان این دریاچه پراکنده بود و در اصطلاح محلی «تختک^۱» نامیده می شد زندگی می کردند و به پرورش گاو مشغول بودند. این افراد حدود ۳۰۰۰ خانوار بودند که بیش از ۹۰/۰۰۰ رأس گاو که خوراک آنها را به طور مستقیم از دریاچه تأمین می کردند را در اختیار داشتند و علاوه بر اینکه فراورده های دامی به مصرف خانوارهای دامدار می رسید، بخش زیادی از فراورده ها اعم از گوشت و محصولات مختلف لبنی، نیازهای روستاهای و شهرهای مجاور را نیز تأمین می کرد و همچنین کار شخم زدن زمین و کوبیدن خرمن های گندم و جو در بیشتر مناطق سیستان توسط گاوهای نر تختک نشینان انجام می شده است. (ابراهیم زاده، ۱۳۸۹، ۲۹۷)

قشر دومی که وابستگی مستقیم به دریاچه هامون دارند، شکارچیان و صیادان هستند که صید ماهی و شکار انواع پرندگانی که دریاچه زیست بوم آنها را تشکیل می دهد، منبع تأمین معاش آنها را تشکیل می دهد. در دو دهه گذشته که دریاچه دارای آب کافی بوده و نیزارهای آن آباد بوده اند، بیش از ۱۳۵۰ خانوار صیاد و شکارچی در حاشیه دریاچه هامون استقرار داشته اند و در مجموع ۱۹۰ گونه از انواع پرندگان دریایی و بیش از هشت نوع ماهی در این دریاچه شناسایی شده اند. صیادان و شکارچیان منطقه نیز ضمن تأمین نیازهای پروتئینی خود و خانواده هایشان، ماهی ها و پرندگان را به روستاها و شهرهای مجاور و نقاط مختلف کشور به فروش می رسانند به طوری که صدور پرندگان و پر آنها به شهرهای کرمان و یزد متداول بوده است.

سومین قشر بهره بردار از دریاچه هامون حصیربافان هستند، که عمده افراد این گروه را همان خانوارهای صیاد و شکارچی تشکیل می دهد که علاوه بر صید و شکار از انواع نی های دریاچه برای تولید فرآورده های حصیری استفاده می کنند. در یکی دو دهه گذشته سالانه بیش از ۳۰ میلیون متر مربع «پرده خولکی» از سیستان به سایر شهرهای کشور و حتی خارج از کشور صادر می شده است (همان: ۳۰۰). با توجه به خشکسالی های اخیر و خشک شدن بخش های زیادی از هامون هنوز این صنعت در منطقه و در تعدادی از روستاهای اطراف هامون تداوم دارد که خولک های مورد استفاده خود را از کشور افغانستان تأمین می کنند. حصیربافان به میزان زیاد این خولک ها خریداری و انبار می کنند تا بتوانند همچنان پیشه خود را حفظ کنند. در حال حاضر قیمت این خولک ها در منطقه بسته به عرض آنها به ازای هر مترمربع ۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ ریال می باشد.

قشر دیگری که عمدتاً دریاچه هامون معاش آنها را تأمین می کند، عشایر دامداری هستند که به پرورش گوسفند و بز اشتغال دارند و علوغه مورد نیاز دام هایشان را از مراتع و علفزارهای حاشیه و پیرامون هامون تهیه می کنند و به استثنای فصل بهار که معمولاً در بیلاق جنوب خراسان هستند، بقیه اوقات سال را در حاشیه دریاچه از شمال شرق تا جنوب شرق آن پراکنده اند و محدوده بهره برداری هر طایفه از مراتع حاشیه دریاچه برای استفاده دام ها مشخص می باشد. به دلیل اینکه در فصل بهار مراتع حاشیه دریاچه هامون بر اثر افزایش آب دریافتی از رودخانه به زیر آب می رود و به طور طبیعی آبیاری می شود، سایر فصول سال سبز و خرم و دارای علوفه تازه می باشد. عشایر منطقه در طول تابستان و پاییز از مراتع جهت تغلیف دام های خود استفاده می کنند و حتی علوفه زمستان دام ها را نیز ذخیره می نمایند. وجود این گروه نیز با توجه به تولید حجم بالایی از فرآورده های لبنی و گوشت مورد نیاز منطقه و سایر شهرها تأثیر بسزایی بر اقتصاد منطقه دارد (ابراهیم زاده، ۱۳۸۹، ۳۰۲-۳۰۳).

توجه به آنچه ذکر شد، زندگی اقشار و گروه های زیادی از مردم منطقه سیستان از لحاظ اقتصادی به طور مستقیم و سایر افراد نیز به صورت غیر مستقیم به وجود دریاچه هامون وابسته است و این دریاچه حجم انبوهی از داشته هایش را به بومیان عرضه می دارد تا به مصارف مختلف کشاورزی، دامداری، تغذیه، صنایع دستی و غیره برسانند، بنابراین در صورت از بین رفتن بخشی از این اکوسیستم و همچنین در سال های خشکسالی که تقریباً تمامی کارکردهای فوق از بین می رود زیان های جبران ناپذیری بر کل منطقه سیستان وارد می شود که آثار آنها استان سیستان و بلوچستان و بعضی از استان های دیگر را نیز تحت تأثیر قرار می دهد.

نیزارهای هامون منابع طبیعی بسیار مهمی هستند که فواید فراوانی برای زیست بوم و دامداران و حصیربافان منطقه دارند. بررسی تاریخچه هامون نشان می دهد که سطح نیزارها و پوشش گیاهی هامون ها از سال ۱۳۵۱ به بعد سیر نزولی داشته است که این تغییرات در مورد هامون پوزک کمتر از هامون صابری و هیرمند بوده است.

کاهش سطح نیزارها تدریجی و در کوتاه مدت غیر محسوس بوده، ولی در سال ۱۳۶۸ به اوج خود رسیده و تراکم نیزارها رو به کاهش و نابودی گذاشت، در نتیجه دریاچه هامون تقریباً از چرخه اقتصادی سیستان مخصوصاً در امر دامداری خارج گردید و تمامی گاوداران تختک نشین هامون که بالغ بر ۲۰ هزار واحد دامی را بطور مستقیم تشکیل می دادند همگی متواری شده و در پی تأمین علوفه از این روستا به آن روستا و در نهایت اکثر آن ها در حاشیه شهرها سکنی گزیدند.

نتایج بررسی ها نشان داد که علت اصلی از بین رفتن نیزارها معرفی ماهی آمور یا کپور علف خوار در آغاز دهه شصت بوده است. هدف از معرفی ماهی آمور و دیگر ماهیان غیربومی به تالاب، از سویی بالا بردن میزان صید و افزایش درآمد صیادان ذکر شده و از سوی دیگر کنترل تراکم نیزارها بوده است، در نتیجه صید ماهی که قبلاً ماهیتی معیشتی داشته و فعالیت جنبی بود به فعالیت اقتصادی و درآمدزا تبدیل و موجب رونق این فعالیت در منطقه شده و نتایج حاصله از این کار برای صیادان بسیار رضایت بخش بوده است. عدم کنترل تراکم جمعیت ماهی آمور و طیف گسترده ای از این ماهی از نظر وزنی، سنی و تراکم که روند تخریب را سرعت می بخشیدند، در تالاب افزایش یافت و موجبات تخریب مهمترین عامل حیات دامداران و عشایر سیستان یعنی نیزارها را فراهم نمود، همچنین جمعیت پرندگان به دلیل از بین رفتن پناه و غذا شدیداً کاهش یافت.

پس از اطمینان از عامل اصلی تخریب نیزارها، نسبت به احیای نیزارهای هامون و بازسازی ارزش های افزوده مستقر در آن طبق مطالعه و برنامه ریزی حساب شده اقداماتی مؤثر صورت می گیرد و این کار در قالب گروه های سازندگی احیاء صورت گرفته است، بدین صورت که در اواخر سال ۱۳۷۱ در داخل تالاب، در فاصله ۲۵۰ متری از سیل بند خاکی حاشیه تالاب هامون صابری

اقدام به حصار کشی نموده و از تور فلزی که امکان ورود ماهیان آمور را مانع می‌شد، استفاده نمودند و همزمان با کشت قلمه‌نی به احیاء پرداختند که نتایج قابل قبولی حاصل شد. احیای مجدد هامون باعث رونق حرفه دامداری، افزایش تولیدات دامی، لبنی و توسعه گاوداری شده و موجب افزایش درآمد و ایجاد اشتغال گردید (نوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۵-۹۶).

تا قبل از خشکسالی‌های اخیر سالانه بیش از ۱/۶۴۸/۰۰۰ رأس دام اعم از گاو و گوسفند و بز در سیستان پرورش می‌یافتند که از این تعداد حدود ۱/۵۰۰/۰۰۰ رأس از آنها به طور مستقیم از مراتع و نیزارهای دریاچه هامون تغذیه می‌شدند که این تعداد ۹۱٪ از دام‌های منطقه را تشکیل می‌دادند (ابراهیم زاده، ۱۳۸۹: ۳۰۵).

همچنین تا قبل از خشکسالی و در سال‌های پرآبی تقریباً ۷۰۰ هزار قطعه پرنده در دریاچه سرشماری شده‌اند که از این تعداد سالانه تا ۶۵٪ نیز شکار می‌شده‌اند و اگر وزن تقریبی هر پرنده را تنها یک کیلوگرم در نظر بگیریم سالانه تقریباً ۵۰۰ تن گوشت پرنده از دریاچه به دست می‌آمده است (بیک محمدی و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۹-۶۰).

نکته دیگری که باید به آن اشاره شود، ارزش اقتصادی حصیرها و پرده‌های بافته شده از نی‌ها و خولک‌های دریاچه است که سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. اما در حال حاضر با وجودی که این صنعت همچنان تداوم دارد، صنعتگران خولک‌های مورد نیاز را از کشور افغانستان خریداری می‌کنند.

۳-۲- کارکردهای اجتماعی دریاچه هامون

ساخت اجتماعی سیستان را گروه‌های معیشتی کشاورز، دامدار و صیاد تشکیل می‌دهد که سالیان سال در کنار یکدیگر روزگار گذرانده و فعالیت‌ها و محصولات تولیدی‌شان به طور مستقیم و غیر مستقیم به دریاچه هامون وابسته است و هر یک از این گروه‌های اجتماعی دارای سلسله مراتب و مناسبات خاص خود می‌باشد که می‌توان آنها را به قرار زیر ذکر نمود:

۱. جامعه دهقان: بیش از ۶۰٪ روستاهای سیستان در نظام «دهقانی» به سر می‌برند که عمده‌ترین منبع درآمد آنها را فعالیت‌های زراعی تشکیل می‌دهد و فعالیت‌های دامداری و تولید صنایع دستی نقش مکملی در اقتصاد آنها دارد، گروه‌های اجتماعی ساکن در این روستاها کشاورزان، خوش‌نشینان و حاشیه‌نشینان روستایی هستند.

۲. جامعه دهقان- دامدار: ساخت قبیله‌ای - دهقانی حدود ۳۵٪ از روستاهای منطقه را در بر می‌گیرد که در این روستاها علاوه بر زراعت غلات، دامداری نیز سهم عمده‌ای در درآمد خانواده‌ها دارد. این گروه هویت قبیله‌ای و طایفه‌ای خود را حفظ کرده و دامداری آنها وابسته به کوچ می‌باشد. متوسط زمین‌های زراعی آنها کمتر از جامعه دهقانی می‌باشد و منحصر به کشت غلات است.

۳. جامعه دامدار: خانوارهای این جامعه به کار دامداری و تولید صنایع دستی اشتغال دارند و دارای هویت قبیله‌ای، طایفه‌ای می‌باشند و بر اساس نوع دام به دو گروه تقسیم می‌شوند:

عشایر دامدار: طوایفی که تنها از راه نگه‌داری و پرورش گوسفند و بز امرار معاش می‌کنند و مراتع پیرامون هامون خوراک دام‌هایشان را تشکیل می‌دهد و به صورت گروهی و تیره‌ای به کوچ می‌پردازند.

گاوداران: در گذشته خانوارهای زیادی از این راه به امرار معاش می‌پرداختند و چون خوراک گاوهاشان از نیزارهای موجود در دریاچه تأمین می‌شد، بر روی تختک‌های دریاچه و سواحل آن پراکنده بودند و به «گاوداران نیزاری» مشهور بودند که ۸۰٪ گاوهایی موجود در منطقه را در اختیار داشتند.

۴. جامعه صیادی: در روستاهایی که دارای نظام صیادی است خانوارها فقط از طریق صید ماهی، شکار پرنده‌گان و همچنین صیادی امرار معاش می‌کنند و در نزدیکی و کناره نیزارها زندگی می‌کنند (ابراهیم زاده، ۱۳۸۸: ۲۹۶-۲۹۸). بنابراین می‌توان گفت سیستان در زمان‌های پرآبی هامون منطقه‌ای خودکفا بوده و زندگی روستایی در آن پررونق است و مردم بایبش‌های گوناگون امرار معاش می‌کنند و مازاد تولیدشان را نیز به مناطق همجوار صادر می‌کنند.

تفاوت سطح اقتصادی در منطقه سیستان باعث شکل‌گیری طبقات اجتماعی مختلف شده است و اساس این قشربندی بر مبنای شغل افراد، مقدار زمین زراعی و تعداد دام می‌باشد. به طور کلی می‌توان بر مبنای مشاغل کشاورزی، دامداری و کاسب‌کاری در سیستان طبقات اجتماعی مختلف مرتبط با آنها را ذکر نمود:

۱. کشاورزی: گروه‌های اجتماعی مرتبط با امور مربوط به کشاورزی را می‌توان به قرار زیر برشمرد:

- مالکان زمین کشاورزی یا «بادار»

- کشاورزان یا «کشته‌گران» که خود دارای زمین کشاورزی نبوده و بر روی زمین مالکان کار می‌کردند.

- گاوداران که کار شخم زدن زمین‌های زراعی را انجام می‌دادند.

همچنین می توان به قشر درودگر(نجار) و آهنگر که در گذشته کار ساخت و تعمیر ابزارهای چوبی و فلزی کشاورزی را بر عهده داشتند اشاره کرد.

۲. دامداری: در این بخش می توان به اقشار زیر اشاره کرد:

- صاحبان گله که دارای تعداد زیادی دام بودند.

- گله داران مسئولیت نگهداری از دام ها و بردن آنها به چراگاه را بر عهده داشتند و مناسبات میان این گروه و صاحبان گله بر اساس قراردادی که در ابتدا بسته می شد، صورت می گرفت.

- خوش نشینان گروه های کوچ نشین بودند و جای مشخصی را برای خود در نظر نمی گرفتند و بر اساس تخصص خود برای افراد مختلف دامدار کار می کردند و یا خود دارای دام بودند.

۳. کاسب کاری: گروه های کاسب کار جامعه سیستان عبارت بودند از:

- «ترتیب‌ها» که این گروه علاوه بر تعمیر ابزار فلزی، به طبابت نیز می پرداختند.

- کولی «چلی‌ها» به کار ساخت و تعمیر ابزار و وسایل خانگی همچون کفگیر، چاقو، اره، داس و مانند اینها مشغول بودند و وطن خاصی نداشتند و در منطقه تغییر مکان می دادند (همان: ۲۹۴-۲۹۵).

دریاچه هامون که در بسیاری از دوره‌های تاریخی مانند حمله مغولان، تیمور و نادرشاه به سیستان که موجب قتل و غارت مردم منطقه شد همچون مأمن و پناهگاه، جمع کثیری از سیستانی ها را در نيزارهای خود جای داده تا از شر دشمن در امان بمانند، در زمان خشکسالی افراد را وادار به کوچ و مهاجرت نمود و همچون معبری مناسب برای قاچاقچیان گردید. به طور کلی برخی از تأثیرات اجتماعی خشکسالی در سیستان را می توان به قرار زیر ذکر نمود:

با خشک شدن سفره پر برکت هامون بسیاری از مردم سیستان شغل و منبع درآمد خود را از دست می دهند و بنابراین کیفیت زندگی آنها کاهش پیدا کرده و ناچار به مهاجرت به شهرهای اطراف و حاشیه نشینی می شوند، همچنین می توان به کاهش امنیت اجتماعی و افزایش تعداد فقرا و افراد تحت پوشش سازمان های حمایتی در این شرایط اشاره کرد. دریاچه هامون که در زمان پرآبی به کل منطقه سیستان حیات می بخشید، در زمان خشکسالی به بیابانی خشک تبدیل می شود که عبور و مرور افرادی را که شغل و منبع درآمدشان را از دست داده اند و به ناچار برای امرار معاش به شغل های کاذب روی آورده اند، جهت قاچاق مواد مخدر، سوخت و کالا به مرز افغانستان میسازد. با خشک شدن دریاچه، بادهای ۱۲۰ روزه سیستان که از پدیده های طبیعی این دیار است و از اوایل خرداد تا پایان شهریور ماه در منطقه می وزد، با وزش بر روی بستر خشک هامون و پراکنده نمودن گرد و خاک، مشکلات زیست محیطی و اجتماعی بسیاری را برای ساکنان منطقه ایجاد می کنند که برخی از آن ها عبارتند از: به زیر خاک رفتن زمین های زراعی، خانه های مسکونی و تخریب نهرهای و کانال های آبیاری که زندگی ساکنان را با خطرات جدی رو به رو می سازد و آنان را ناچار به ترک دیار و مهاجرت به مناطق شهری می نماید و به تبع آن مسائل و مشکلات اقتصادی - اجتماعی افزایش تراکم شهری و حاشیه نشینی به وجود می آید. افزایش آلودگی هوا که مشکلاتی را برای سیستم تنفسی و بینایی افراد به وجود می آورد. افزایش تصادفات جاده ای به دلیل کاهش دید و خسارات جانی و مالی فراوان نیز در سال های خشکسالی از جمله عواقب خطرناک این طوفان ها می باشد.

۳- نتیجه گیری

دریاچه هامون که حیات آن از رودخانه مرزی هیرمند است از گذشته تا به امروز نقش مهم و اساسی در حیات و ماندگاری سرزمین کهن سیستان داشته است و به دلیل وجود آن در دوره هایی با نام زرتنگ و زره و آب زره خوانده می شده که به معنای سرزمین آبی و دریایی است. دریاچه هامون زیستگاه ماهیان بومی منطقه سیستان و حدود نیمی از پرند های شناسایی شده ایران، با داشتن ذخایر ارزشمند گیاهی که شامل نیزار و مراتع با گونه های گیاهی مختلف است، از جمله با ارزش ترین اکوسیستم های دنیا به شمار می رود که تأثیر شگرفی بر آب و هوای منطقه سیستان دارد و بنابراین به لحاظ زیست محیطی و اکولوژیکی، دارای توانمندی های گوناگون می باشد.

از رودخانه هیرمند، دریاچه هامون و کوه خواجه که در میان این دریاچه قرار دارد در منابع تاریخی گوناگون با نام های مختلف یاد شده است، رودخانه هیرمند در اوستا با صفاتی چون باشکوه و فرهمند ستایش شده است، دریاچه هامون در آیین زرتشتی دارای اهمیت و قداست خاصی است، زیرا این اعتقاد وجود دارد که نطفه زرتشت در آن حفظ می شود تا در زمان مناسب با نطفه مادران سه موعود زرتشت بیامیزد که در هزاره های اوشیدر، اوشیدرماه و سوشیانت در کنار دریاچه هامون پا به عرصه وجود خواهند

1. tortabib

2. çalli

گذاشت و کوه خواجه نیز که یگانه ارتفاع این دیار است در دوره های تاریخی و نزد زرتشتیان، مسیحیان و مسلمانان مورد تقدیس و تکریم خاص بوده است، بنابراین سه عنصر طبیعی دشت سیستان دارای پیشینه و اهمیت تاریخی و اسطوره ای می باشند.

دریاچه هامون دارای منابع غنی و ارزشمندی است که در زمان پرآبی امرار معاش گروه های مختلفی از مردم منطقه به طور مستقیم به آن وابسته می باشد و باعث پویایی و خودکفایی اقتصادی مردم منطقه سیستان است. گروه های گاودار که نی های دریاچه خوراک دام هایشان را تأمین می نماید، شکارچیان و صیادان که با صید ماهی و شکار پرندگان امرار معاش می کنند، حصیربافان که از نی های دریاچه برای تولید فراورده های حصیری استفاده می کنند و عشایری که به پرورش بز و گوسفند اشتغال دارند و از مراتع و علفزارهای پیرامون دریاچه به تعلیف دام هایشان می پردازند. بنابراین دریاچه هامون منبع اقتصادی بسیار ارزشمندی برای منطقه محسوب شده و وابستگی مستقیم اقشار و گروه های مختلف به آن باعث آسیب پذیری بسیار زیاد در سال های خشکسالی می شود. علاوه بر خشکسالی های دریاچه هامون که در طول حیات این دریاچه چندین بار تکرار شده است، افراد بومی نیز در از بین رفتن نیزارهای آن دخالت داشته و با برداشت بیش از حد نی ها و همچنین وارد ساختن ماهی های غیر بومی به دریاچه که علف خوار بوده و از نی ها تغذیه می نمودند، به تدریج موجبات از میان رفتن این زیست بوم را فراهم ساختند و این عوامل باعث شد تا علاوه بر آنکه دریاچه کارکردهای اقتصادی خود را از دست دهد، در بخش اجتماعی نیز تأثیرات منفی از خود بر جای گذارد. بنابراین می توان تأثیر متقابل انسان و محیط را بر یکدیگر در زیست بوم هامون مشاهده کرد.

از بین رفتن زمینه های اشتغال مردم باعث مهاجرت بسیاری از آنها به شهرهای اطراف شده و همچنین با توجه به هم مرز بودن منطقه با کشور افغانستان، زمینه های قاچاق مواد مخدر، سوخت و کالا فراهم می شود. همچنین باید اضافه کرد، با توجه به وزش بادهای ۱۲۰ روزه در منطقه سیستان، خشک شدن بستر هامون زمینه را برای گسترش طوفان های شدید فراهم می کند که باعث تخریب زمین های کشاورزی، خانه های مسکونی و کانال های آبیاری می شود و افرادی که اشتغال آنها به طور مستقیم به دریاچه هامون وابسته نیست را نیز ناچار به مهاجرت و ترک دیار می نماید و علاوه بر ایجاد مشکلاتی برای سیستم تنفسی و بینایی افراد، باعث افزایش میزان تصادفات در منطقه می شود، بنابراین خشکسالی و حذف شدن دریاچه از زندگی مردم، مسائل و مشکلات اجتماعی عدیده ای را برای مردم سیستان به ارمغان می آورد.

منابع

۱. ابراهیم زاده، عیسی، (۱۳۸۸)، "بنیانهای جغرافیایی جنوب شرق ایران"، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان
۲. ابراهیم زاده، عیسی، (۱۳۸۹)، "سیستان مرکز نیمروز واقعی یا نصف النهار مبداء جهان"، زاهدان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
۳. افشار سیستانی، ایرج، (۱۳۶۹)، "سیستان نامه"، تهران: نشر مرغ آمین
۴. بهار، محمدتقی، (۱۳۸۹)، "تاریخ سیستان"، تهران: اساطیر
۵. بهاری، محمدرضا، (۱۳۸۳)، "سیستانیکا (فرهنگ لغات سیستانی)"، زاهدان: مؤلف
۶. بیک محمدی، حسن، نوری زمان آبادی، سیدهدایت اله، بذرافشان، جواد، (۱۳۸۴)، "اثرات خشکسالی ۱۳۷۷-۸۳ بر اقتصاد روستایی سیستان"، مجله جغرافیا و توسعه، دوره ۳، شماره ۵، صص ۷۲-۵۳
۷. پالاش، عباس و کردوانی پرویز، (۱۳۸۸)، "مقایسه نقش دریاچه هامون هنگام پرآبی و خشکی در اوضاع اقتصادی و اجتماعی سیستان"، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا، دوره ۳، شماره ۸ و ۹، ۱۴۴-۱۲۴
۸. دورتیه، ژان فرانسوا، (۱۳۸۶)، "علوم انسانی گستره شناخت ها"، ترجمه مرتضی کتبی و همکاران. تهران: نشر نی، چاپ سوم
۹. سید سجادی، سید منصور، (۱۳۸۵)، "شهر سوخته"، زابل: پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری شهر سوخته
۱۰. شاه محمدی، زمان و ملکی، سعیده، (۱۳۹۰)، "حیات هامون"، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
۱۱. کرمانی، ذوالفقار، (۱۳۷۴)، "جغرافیای نیمروز"، تهران: عطارد
۱۲. نوری، غلامرضا، نوری، سهیلا و اربابی، طیبه، (۱۳۸۶)، "تالاب هامون حیات سیستان"، تهران: سپهر
۱۳. نولان، پاتریک و لنسکی، گرهارد، (۱۳۸۰)، "جامعه های انسانی"، ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی

14. Manners, R.A. (1996). Julian Haynes Steward, National Academy of Sciences